

## روایات تحریم مثلّه:

حضرت امیر در حدیثی که مربوط به جنگ صفین است، خطاب به مومنان می فرماید:

۱. حضرت امیر در حدیثی که مربوط به جنگ صفین است، خطاب به مومنان می فرماید:

«وَلَا تَمْتَلُوا بِقَتِيلٍ»<sup>۱</sup>

سند روایت: روایت را کافی مستقیماً از «مالک بن اعین» نقل می کند. مالک از برادران زراره نیست<sup>۲</sup> وی مالک بن اعین جهنی است و توثیق شده است.

۲. امیر المومنین از پیامبر نقل می کند

«قال لابنه الحسن يا بُنَيَّ، أقتل قاتلي و اياك و المثلّه فان رسول الله كرهها و لو بالكلب العقور.»

روایت را شیخ مفید در اختصاص نقل کرده است.<sup>۳</sup> همین مطلب در نهج البلاغه نیز وارد شده است و به این صورت نقل گردیده است:

«ألا لا تقتلن بی إلا قاتلی، انظروا إذا أنا مت من ضربته هذه فاضربوه ضربة بضربة، و لا تمثلوا

الرجل، فإنی سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: إياکم و المثلّة و لو بالكلب العقور.»<sup>۴</sup>

۳. «وَعَنْهُ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ ص كَانَ إِذَا بَعَثَ أَمِيرًا لَهُ

عَلَى سَرِيَّةٍ - أَمْرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي خَاصَّةِ نَفْسِهِ - ثُمَّ فِي أَصْحَابِهِ عَامَّةً ثُمَّ يَقُولُ - اغْزُبِ سِمْ اللَّهَ وَ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ - قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ - لَا تَغْدَرُوا وَ لَا تَغْلُوا وَ لَا تَمْتَلُوا - وَ لَا تَقْتُلُوا وَ لِيَدًا وَ لَا مُتَبَتِّلًا فِي شَاهِقٍ.»<sup>۵</sup>

همین روایت به اندکی تغییر در محاسن برقی وارد شده است<sup>۶</sup> همچنین این روایت با سند: کلینی عن علی

بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن معاوية بن عمار قال: اظنه عن ابي حمزة ثمالی عن ابي عبدالله.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۹۵.

۲. رجال کشی، ص ۲۱۶.

۳. اختصاص، ص ۱۵۰.

۴. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۵. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۹.

۶. ن ک: المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۵.





[ظاهراً یعنی ابن ابی عمیر می گوید گمان می کنم که معاویه از ابی حمزه روایت را نقل کرده است] در وسائل نقل شده است.<sup>۱</sup>

این سند هم صحیحه است.

سند: سند روایت چنین می باشد محمد بن یعقوب بن علی بن ابراهیم عن هارون بن مسلم... مسعدة بن صدقه برخی او را عامی (زیدی بتری) می دانند<sup>۲</sup> ولی توثیق شده است. کشی می نویسد مسعدة عامی است ولی به شیعه محبت و میل شدید دارد توثیق او را هم از اعتماد هارون بن مسلم می توان استفاده کرد. هارون بن مسلم ثقه و وجه است<sup>۳</sup> ولی از مسعدة روایات بسیاری نقل کرده است.\*

لا تغدروا: مکر نکنید

لا تَغْلُوا: زنجیر نکنید (زنجیری که جای آن روی گردن می مانده است)، خیانت کردن.

متبتل: تنها گذاشتن

شاهق: جای بلند.

۴. «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ مَا هَذَا الْإِسْرَافُ الَّذِي نَهَى اللَّهُ عَنْهُ قَالَ نَهَى أَنْ يَقْتُلَ غَيْرَ قَاتِلِهِ أَوْ يُمَثَّلَ بِالْقَاتِلِ الْحَدِيثَ.»<sup>۴</sup>

سند روایت: مرسله است

محمد بن سلیمان: مجهول است

سیف بن عمیره: مرحوم شیخ طوسی و نجاشی او را توثیق کرده اند<sup>۵</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۸..

۲. رجال طوسی، ص ۱۴۶. رجال کشی، ص ۳۹۰.

۳. رجال نجاشی، ص ۴۳۸.

۴. وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۱۲۷.

۵. رجال نجاشی، ص ۱۸۹. فهرست طوسی، ص ۲۲۴.

اسحق بن عمار: درباره وی قبلاً صحبت کرده ایم و توثیق شده است اگرچه شیخ طوسی او را فطحی دانسته است.

۵. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْأَسْنَادِ عَنِ السُّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِي الْبُخْتَرِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَ لَمَّا قَتَلَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ قَالَ أَحْسِنُوا هَذَا الْأَسِيرَ وَأَطْعِمُوهُ وَأَحْسِنُوا إِسَارَهُ فَإِنْ عَشْتُمْ فَأَنَا أَوْلَى بِمَا صَنَعَ بِي إِنْ شِئْتُمْ اسْتَقْدْتُ وَإِنْ شِئْتُمْ عَفَوْتُ وَإِنْ شِئْتُمْ صَالَحْتُ وَإِنْ مِتُّ فَذَلِكَ إِلَيْكُمْ فَإِنْ بَدَأَ لَكُمْ أَنْ تَقْتُلُوهُ فَلَا تُمَثِّلُوا بِهِ»<sup>۱</sup>

سند روایت: درباره قرب الاسناد سابقاً سخن گفتیم، اگرچه برخی به سبب اختلاف نسخه های این کتاب در صورتی روایات این کتاب را می پذیرند که در جای دیگری هم موجود باشد.

سندی بن محمد: ابان بن محمد (خواهرزاده صفوان بن یحیی است) نجاشی او را «تفه و وجه در میان اصحاب کوفی» بر می شمارد.<sup>۲</sup>

ابی البختری: وهب بن وهب او را «کذاب» دانسته اند<sup>۳</sup> نجاشی می نویسد: «روی عن ابی عبدالله و کان کذاباً و له احادیث مع الرشید فی الکذب، قال سعد [بن عبدالله] تزوج ابو عبدالله بامّه، له کتاب یرویه جماعة»

وی قاضی القضاة هارون در بغداد بوده است.<sup>۴</sup>

شیخ می نویسد: به روایات منفرد او عمل نمی شود. شیخ هم چنین او را عامی المذهب دانسته است.<sup>۵</sup> آیت الله زنجانی می گویند، کتاب او ظاهراً مورد قبول بوده است که علیرغم همه معایب وی، توسط روات شیعه نقل شده است.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۱۲۷.

۲. رجال نجاشی، ص ۱۸۷.

۳. رجال نجاشی، ص ۴۳۰.

۴. فهرست طوسی، ص ۳۰۳.

۵. ص ۴۸۷.

